

صابئین مندائی: کیهان شناسی، سازه و منظر

مهرداد عربستانی*

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۱۳ تاریخ اصلاح: ۹۶/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۱/۱۶ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۳/۳۱

چکیده

صابئین مندایی اعضای قوم-دینی هستند که سرزمین مادری ایشان عمدتاً در جنوب غربی ایران (خوزستان) و در کشور عراق در بین‌النهرین قرار دارد. ایشان مردمانی مدرن بوده که حامل یک سنت دینی باستانی گنوستیکی و گنجینهٔ مکتوبی از متون دینی هستند که مبنای هویت متمایز فرهنگی ایشان است. سنت دینی مندایی مبتنی بر یک کیهان‌شناسی دو قطبی بر اساس تقابل آسمان و زمین، و نور و ظلمت بنا شده است که این ساختار متناسباً در مناسک مندائی، حلال و حرام‌های دینی، و نیز سازه‌های آیینی و چشم‌انداز عبادتگاه‌های ایشان متبلور می‌شود. اعمال دینی مندائی نوعی دین‌ورزی مناسک‌گرای آموزه‌ای با تأکید بر مضمون پاکی منسکی است. این مناسک آموزه‌ای به ایشان اجازه می‌دهد تا رمزهای دینی متراکمی را از خلال نسل‌ها انتقال داده و هویت مندائی را تولید و بازتولید کنند. در عین حال وسواس دین‌ورزی مندائی با مضمون پاکی به طور نمادین اشتغال ذهنی مندائیان با حفظ تمامیت گروهی و انسجام مرزهای مورد تهدید قومی را نشان می‌دهد. در این مقاله، علاوه بر آشنایی کلی با این مردم، به طور ویژه ساختار سازه‌های دینی و چشم‌انداز محل اجرای مناسک مندائی به مثابه بازنمودی از جهان‌بینی مندائی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: صابئین مندائی، سازه، منظر، کیهان‌شناسی.

مقدمه

این مبنای میلاد آدم (ع) است و دیگری میلاد یحیی (به‌په‌په‌ها) که مبنای سال یحیایی است. سال شماری مندائی یک سال شماری خورشیدی بوده و هر سال دارای ۱۲ ماه است (همان: ۲۸۷).

مندائی‌ها زمان طولانی در بین‌النهرین زیسته‌اند و همچون غالب اقوام بین‌النهرین برخی باورهای مرتبط با نجوم را اتخاذ کرده‌اند و بر اثربخشی آنها در زندگی انسان باور دارند. از طرفی این امر باعث شده است که ایشان با صابئین حرّان - که براساس منابع تاریخی ستایش و پرستش اجرام آسمانی در نزد ایشان وجود داشته است - خلط شوند و این موضوع چالشی پیش روی دانشمندان و مورخین اسلامی بوده است. اگر چه، اجرام آسمانی در باورهای مندائی مورد ستایش و پرستش قرار نمی‌گیرند و راست‌کیشی مندائی در مقابل پرستش اجرام آسمانی موضع مخالفی دارد، و حتی بعضی از این اجرام آسمانی منسوب به نیروهای تاریکی و شر هستند. کما اینکه در طومار هران گوینا به پیامبران دروغین و یاری‌گری و تقویت ایشان توسط مریخ اشاره شده است. گنزار بایمین نیز به بدخواهی و شرارت مریخ و خورشید و زهره و تیر و ماه بر فرزندان آدم اشاره دارد و آنها را اغواگر و اثرگذار می‌داند و نیز در ادراشی ادیپیا آمده که هر کسی به دنبال ساحران و ستاره‌شناسان برود در مکانی سرد (زمهریر) معذب خواهد شد. اما به هر حال اثرگذاری این سیارات و محاسبات نجومی و منطقه‌البروجی در راست‌کیشی مندائی

اگرچه صابئین از ساکنان بسیار قدیم ایران هستند ولی قوم شناخته‌شده‌ای در ایران محسوب نمی‌شوند. از دلایل منزوی ماندن آنها قومی بودن و تبشیری نبودن دینشان است. دین سیستم و نظامی است شامل جهان‌بینی، اخلاقیات، مناسک، و قواعد رفتاری که مجموعاً یک منظومه را تشکیل می‌دهند.

صابئین خود را وارث یک سنت دینی می‌دانند که مبدأ آن از اولین پیامبر و اولین انسان (حضرت آدم)، ابتدای تاریخ انسانیت، بوده است. سنت فرهنگی ایشان شامل کتب و نوشته‌جات بسیاری است از جمله کتاب گنزاربا (گنج بزرگ) منسوب به حضرت آدم (ع) و دیگری کتابی منسوب به حضرت یحیی (ع)؛ (آخرین پیامبر مندائی) به نام ادراشا اد یهپیا یا "تعالیم یحیی". شیوهٔ دین‌ورزی صابئین بسیار مناسک‌گرایانه بوده و مهمترین دغدغهٔ دینی برای مندایی‌ها انجام مراسم آیینی مذهبی است. زبان مندائی از خانواده زبان‌های سامی و از لهجه‌های شرقی زبان آرامی محسوب می‌شود و لذا با زبان‌های عربی و عبری هم خانواده بوده و نزدیکی دارد (عربستانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶). مندائیان دو مبنای تاریخی دارند که به وسیلهٔ آنها دو نوع سال شماری ویژه مندائی پدید می‌آید، یکی از

کتاب تعمیم‌یابان غریب: مطالعه‌ای مردم‌شناختی در دین‌ورزی صابئین مندائی ایران از مهرداد عربستانی تلاشی برای مطالعات انسان‌شناختی در مورد صابئین مندائی بوده است. صابئین مندائی اعضای قومی-دینی سامی و گنوستیک، و شاید تنها سنت زنده گنوستیک جهانی هستند که طی قرون متمادی در مناطق باتلاقی بین‌النهرین و در کنار رودهای کشور عراق و نیز سواحل رود کارون در خوزستان زیسته‌اند (عربستانی، ۱۳۹۰).

صابئین معتقدند که تاریخ ایشان به ابتدای تاریخ بشر روی زمین باز می‌گردد. بر اساس روایات درون دینی مقارن آشکار شدن دین ایشان در زمان یحیی تعمیددهنده (به‌یابا یوهانا به زبان مندایی) ایشان در نزدیکی اورشلیم سکنی داشته‌اند (عربستانی، ۱۳۸۳: ۱۹). بر اساس همین روایات ایشان پس از درگیری با یهودیان در این منطقه هم زمان با فراوانی پارت‌ها در ایران به بین‌النهرین مهاجرت می‌کنند (همان: ۲۱ و ۲۴۱-۲). مندائیان همیشه در چشم همسایگان‌شان غریبه‌های آشنایی بوده‌اند و علی‌رغم اشتهاشان به صلح‌جویی گه‌گاه از سخت‌کیشی و کم‌لطفی همسایگان‌شان رنج برده‌اند. مردمانی که با لباس‌هایی سراسر سفید، که گاهی تک‌تک و گاهی گروهی، در کنار رودخانه جمع می‌شوند، تعمید می‌شوند، نیایش می‌کنند و غذایی منسکی را با هم سهیم می‌شوند (عربستانی، ۱۳۹۰).

از تعداد مندائیان ایران آماری رسمی در دست نیست و غالباً تعدادشان به تخمین برآورده شده است. جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹-۱۳۶۷/۱۹۸۰-۱۹۸۸) و جنگ‌های بعدی در عراق و نیز ناملازمات سیاسی و اجتماعی در منطقه باعث مهاجرت تعداد قابل توجهی از مندائیان به خارج از ایران و عراق شده که این امر به نوبه خود همین تخمین‌ها را نیز مشکل‌تر کرده است. کورت رودلف تعداد مندائیان ایران را در سال ۱۹۷۸ کمتر از ۱۵۰۰۰ نفر تخمین می‌زند. مندائیان خود حضور حدود ۲۰۰۰۰ مندائی در ایران را در ایران برآورد می‌کنند (عربستانی، ۱۳۸۴: ۲). آژانس پناهندگان سازمان ملل نیز تقریباً تعداد ۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ مندائی در ایران گزارش کرده است (۲۰۰۴). در خلال دهه‌های اخیر در اثر جنگ بین ایران و عراق و جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس (به ترتیب ۱۹۹۰-۱۹۹۱ و ۲۰۰۳) این منطقه بی‌ثباتی‌های شدیدی را تجربه کرده است که زندگی مندائیان را نیز عمیقاً متأثر کرده و باراندن بسیاری از مندائیان به سمت مهاجرت برهه جدیدی در تاریخ مندائیان گشوده است (عربستانی، ۱۳۹۰).

کیهان‌شناسی و مناسک مندائی

برخی از ویژگی‌های این دین نشان‌دهنده ریشه غنوصی (گنوسی یا Gnostic) آن است (عربستانی، ۱۳۸۳: ۱)، در واقع تقابل میان نور و ظلمت زیربنای دیانت مندائی را تشکیل می‌دهد و به خوبی در کیهان‌شناسی مندائی بازتاب می‌شود (همان: ۹). کیهان‌شناسی، تصویری از «واقعیت مطلق» و نظم را رسم می‌کند، تصویری که راه و رسم (Ethos) گروه را عقلانی جلوه می‌دهد. بر اساس کیهان‌شناسی مندائی جهان متشکل از طبقاتی است که از نورانی‌ترین و مقدس‌ترین طبقات در شمال کیهانی شروع می‌شود و به تاریک‌ترین و آلوده‌ترین مکان در جنوب کیهانی ختم می‌شود. موقعیت معنوی هر موجودی

امری پذیرفته است. درآور در «مندائیان عراق و ایران» نقل می‌کند که در شب قبل از سال نو، روحانیان «سفرملواشی» (یکی از متون مقدس مندائی) را می‌خوانند و سعی می‌کنند که وقایع سال آینده را از نظر آب و هوا، خوشی و ناخوشی و ... پیش‌بینی کنند و مندائیان در روز دوم سال مندائی، یعنی در برج دوم دولا (مصادف با اول یا دوم مرداد ماه) نزد روحانیون می‌روند تا از نیک و بد سال آینده آگاه شوند (همان: ۷۶-۷۷). امت مندائی ریشه دینی و مبنای مادرتباری دارد و هر مندائی باید یک نام دینی داشته باشد، نامی که با آن نام تعمید می‌شود و ازدواج می‌کند و به خاک سپرده می‌شود و محاسبه این نام بر اساس نام دینی مادر صورت می‌گیرد (همان: ۷۸-۷۹).

کارهایی که درباره مندائیان صورت گرفته‌اند غالباً پژوهش‌های زبان‌شناختی و دین‌شناختی و پژوهش‌های متنی بوده‌اند. شاید قدیمی‌ترین کارهای روش‌مند درباره مندائیان مطالعات زبان‌شناختی پترمن (H. Peterman) آلمانی باشد که در قرن نوزدهم به انتشار گنزا ربا - کتاب مقدس مندائی - مبادرت کرد. پس از او نیز مارک لیدز بارسکی (Mark Lidzbarski) ترجمه آلمانی گنزاربا را با عنوان Ginza: Der Schatz Oder Das Grosse Buch Der Madaer منتشر کرد. مهم‌ترین تلاش‌های مندائی‌شناسی را باید تحقیقات خانم ای. اس. دراور (Drower.S.E) دانست که در طی سال‌ها زندگی در عراق و آشنایی با مندائیان، مواد اتنوگرافیک مفصلی از مندائیان را در کتاب‌های مندائیان عراق و ایران (Iran and Iraq of Mandaen) و آب در شراب (wine in Water) ثبت کرده است. غیر از این کتاب‌ها او مجموعه‌ای از متون مندائی را هم به تدریج ترجمه و منتشر کرده است که مساهمت شایانی در مندائی‌شناسی معاصر بوده است.

از محققان دیگری که به طور خاص در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی به ویژه از جنبه زبان‌شناختی در مندائیان انجام داده، «رودلف ماتسوخ» زبان‌شناس فقید آلمانی است که سال‌ها استاد دانشگاه تهران بوده است. غیر از مقاله‌های مختلف در مورد زبان مندائی، مهم‌ترین اثر او فرهنگ لغات مندائی است که در سال ۱۹۶۶ منتشر کرده است. جوورون جاکوبسن باکلی (Jorun Jacobsen Buckley) به طور ویژه به مطالعه مندائیان از حیث دین‌شناسی و تاریخ ادیان پرداخته و مفصل‌ترین اثر وی کتابی است با عنوان مندائیان که در سال منتشر کرده است. اما در ایران مطالعات مندائی‌شناسی تا سال‌های اخیر بسیار محدود بوده است. شاید اولین کتابی که باعث شد تا حدودی مندائیان در جامعه ایرانی شناخته شوند کتاب قوم از یاد رفته: کاوشی درباره قوم صابئین مندائی از برنجی (سلیم برنجی) که در سال ۱۳۶۷ منتشر شده است. این کتاب که توسط یک مندائی نگاشته شده اگر چه حاوی مواد اتنوگرافیک نسبتاً مفصلی است، ولی به شیوه روش‌مند نگاشته نشده و بیشتر کتابی درون دینی و مسلکی است. با این وصف تا سال‌ها این کتاب تنها اثر درباره مندائیان بوده است. غیر از برنجی، مندائی دیگری که به تألیف کتبی درباره مندائیان پرداخته «پرویز عجیل‌زاده» است که دو عنوان کتاب نسبتاً کم حجم درباره این قوم دینی منتشر کرده است. اما در زمینه آثار تحقیقی، می‌توان از آثار «مسعود فروزنده» و «عادل شیرالی» نام برد که در زمینه دین‌شناسی و تاریخ ادیان نگاشته شده‌اند. در این میان مطالعات جای مطالعات انسان‌شناختی خالی بوده است و

و بچه تازه به دنیا آمده تا یک ماه نازل هستند و تماس با ایشان باعث انتقال ناپاکی خواهد شد. ایشان پس از این دوره با انجام مراسم تعمید پاک می‌شوند (همان: ۹۳). اگر طی این مدت آنها ظرفی رسانا (از نظر قواعد انتقال آلودگی در دین مندائی) را لمس کنند آنرا نازل کرده‌اند و باید آن ظرف نیز تطهیر شود (همان: ۱۱۷-۱۱۸). مواد رسانا شامل موادی است که مصالح آن انسان ساخت باشد مثل شیشه و فلز، و مواد نارسانا از مصالح طبیعی مثل چوب و کتان هستند (همان: ۱۲۱). تمامی مناسک صابئین مندائی لازم است که در نور روز انجام شود و انجام آنها پس از غروب آفتاب مجاز نیست (تصویر ۲).

حلال و حرام غذایی

گوشت حیواناتی که روی زمین راه می‌روند به جز گوسفند نر حرام است. گوشت حیوانات شکاری نیز حرام گوشت هستند. تنها خوردن ماهی و پرندگان - از جمله ماکیان - مجاز است (همان: ۵۴-۵۶). ذبح حیوان بدین شکل است که ابتدا آن را در آب شستشوی آیینی داده، سپس به گونه‌ای که با زمین تماس نداشته باشد او را در هوا نگه‌داشته، سرش را می‌برند. چون زمین مرز عالم پست و ظلمت محسوب می‌شود، حیوانی که شستشو داده شده و آماده ذبح است نباید با زمین تماس پیدا کند (همان: ۵۶-۵۷). در مناسک صابئین مندائی تمایل به استفاده از مواد طبیعی و احتراز از امور مصنوعی و انسان ساز قابل مشاهده است. مثلاً در خوراکی‌های آیینی گوشت و خمیر نان مخصوص مستقیماً روی ذغال گذاخته قرار داده می‌شوند و از هیچ وسیله ای - مثل سیخ، قابلمه، یا ساج - برای پختن آنها استفاده نمی‌شود. مواد غذایی آماده شده برای غذاهای آیینی نیز بر روی پارچه کتانی که بر زمین پهن شده است می‌گذارند تا از تماس آنها با زمین با استفاده از یک ماده نارسانا جلوگیری کنند. ظروف آیینی خاص، مثل آتشدان و بخوردان، معمولاً از گل خام که با دست درست شده و بدون حرارت خشک شده است، ساخته می‌شوند (همان: ۱۲۱-۱۲۲)؛ (تصویر ۳).

سازه‌های آیینی و منظر

معبد صابئین که آن را «مندی» می‌نامند به طور سنتی به صورت بسیار ساده از نی و مصالح طبیعی دیگر و به صورت سازه‌های نسبتاً غیر دائمی ساخته می‌شده است.

امروزه صابئین برای انجام مناسک دینی‌شان عموماً به کنار ساحل رودخانه‌ها می‌روند که عملاً معبد، به معنای محل عبادت، مندائی تلقی می‌شود. معبدی تقریباً بدون هیچ سازه انسان‌ساز. حداکثر مندائیان سکوهای در کنار ساحل برای ایستادن و انجام مناسک تهیه می‌کنند که تا لب آب ادامه دارد (همان: ۸۹-۸۸). منظر چنین معبدی تنها چشم انداز از طبیعت است: آب رودخانه و گیاهانی که در کنار آن روئیده‌اند. گاهی صابئین مندائی از رأیت یا پرچم‌های کوچکی که در فرهنگ خوزستان برای مناسبات عموماً مذهبی به کار می‌رود در کنار رود استفاده می‌کنند. این رأیت‌ها تیر چوبی کوچکی هستند که در انتهای‌شان پارچه‌های کوچک آویخته شده است. صابئین گاهی چند رأیت را در زمین ساحل رود فرو می‌کنند و نشانی از نذر و نیازی با خداوند است، همچون شمعی که در سنت‌های دینی اسلامی، و یهودی -

در تناسب با جایگاهش در طبقات کیهانی است. جهان بالا یا دنیای نور در بالای زمین و پس از اتمام جهان مادی (حاوی اجرام سماوی) قرار دارد و زیر زمین جهان زیرین یا دنیای ظلمت قرار دارد. انسان‌ها، حیوانات، گیاهان و تمام موجودات مادی در حد وسط این دو جهان و در دنیای اختلاط زندگی می‌کنند. جایگاه کیهان‌شناسی انسان که در روی زمین قرار دارد، دقیقاً در مرز عالم تاریکی و شروع دنیای مادی است. انسان موجودی دو منشائی است، بدن وی از طین یا گل که از زمین است و جوهرش از نمشتا ساخته می‌شود که از عالم نور است و در بدن محصور شده است (عربستانی، ۱۳۹۰). خدای صابئین تشخیص ندارد، بسیار انتزاعی و منزه و در قلب عالم نور قرار گرفته است که این نیز از نشانه‌های گنوسی بودن دین مندائی می‌توان به شمار آورد. مفاهیم متقابل پاکی و ناپاکی در تمام مناسک و آدابشان دیده می‌شود و مفهومی تکرارشونده در تمام دین مندائی است. خدای مندائی به نام هبی، به لحاظ لغوی به معنای زندگانی است (عربستانی، ۱۳۸۳: ۴۱). بنابراین هر امری که از اصل حیات و زندگانی فاصله بگیرد، دنیوی‌تر و دورتر از خدا قلمداد می‌شود. در آداب و مناسک مندائی، از جمله منهیات غذایی، تقابل‌های ساختاری، نور و ظلمت، آسمان و زمین، زندگی و ماده، و پاک و ناپاک قابل شناسایی هستند و این تقابل‌ها در تمام آیین و رفتارهای آنها بازنمایی می‌شوند (همان: ۹). تنها تجلی نمادین خدا بر زمین آب جاری است. آب جاری در دین صابئین تنها عنصری است که هم پاک است و هم پاک‌کننده. مناسک نقشی اساسی در در دین‌ورزی مندائی دارند. عنصر ثابت و مقدس دین مندائی مناسک باستانی دین است، شامل تعمید و انواع غذاهای آیینی. مهمترین و مکررترین مناسک مندائی انواع آیین‌های تطهیر هستند که شامل انواع شستشو و غسل با آب جاری است، و مهمتر از همه مناسک تعمید در آب جاری است (همان: ۸۵).

از نگاه مندایی هر چه از بدن دفع می‌شود ناپاک است شامل خون، ادرار، مدفوع، مایع منی و سایر موارد. در صورت تماس با این مواد دفعی، موضعی که با آنها تماس داشته است آلوده یا اصطلاحاً نازل می‌شود و باید تطهیر شود. در مورد رابطه جنسی و خروج منی کل بدن انسان نازل می‌شود و نیاز است که کل بدن شستشوی آیینی شود. انسانی که نازل (ناپاک) است باید برای شرکت در مراسم آیینی خود را تا میزان پاکی مورد نیاز برای شرکت در مراسم پاک کند، یعنی با شستشوی آیینی موضعی، یا شستشوی کامل، و در صورت نیاز با انجام تعمید که بالاترین مناسک تطهیر است (همان: ۹۳).

اجرای وظایف دینی به واسطه روحانی انجام می‌گیرد و برخی از مناسک رسمی دینی مثل تعمید را تنها ایشان می‌توانند انجام دهند و انجام آن برای افراد معمولی جایز نیست. مراسم تطهیر اصول خاصی دارد برای نمونه لباس کاهن یا روحانی باید کمترین دوخت و دوز و عصایش از نی طبیعی باشد (به طبیعی‌ترین شکل ممکن)؛ (همان: ۹۳)؛ (تصویر ۱).

تعمید مهمترین و فنی‌ترین غسل این دین است و کسی نمی‌تواند تعمید شود مگر اینکه اسم دینی داشته باشد. اسم دینی با محاسبات نجومی از اسم دینی مادر گرفته می‌شود، و به این ترتیب کسی که مادر مندائی ندارد به لحاظ فنی (قواعد دینی) نمی‌تواند به جرگه مندائیان بپیوندد (همان: ۷۹). زن و شوهر تازه ازدواج کرده تا یک هفته و مادر

مسیحی در اماکن مذهبی روشن می‌شوند (همان: ۸۹-۹۰).

به این ترتیب در فرهنگ صابئین مندائی، متناسب با کیهان‌شناسی این دین، خبری از سازه‌های با شکوه و تزئینات پیچیده نیست. سازه‌های آئینی، محل عبادت و منظره‌ای که بر اساس اصول مندائی ساخته شده‌اند، سازه‌ها و مناظر طبیعی با یک نمادگرایی گسترده مبتنی بر تقابل فرهنگ و طبیعت، مناظر با تقابل ناپاک و پاک، و ظلمت و نور است.



تصویر ۱. روحانیان مندائی در حال اجرای تدارکات اجرای مناسک تعمید دسته‌جمعی. اهواز، کنار رودخانه کارون. مأخذ: عربستانی، ۱۳۸۳.



تصویر ۲. تعمید توسط روحانی مندائی. مأخذ: عربستانی، ۱۳۸۳.



تصویر ۳. بانوان مندائی در حین اجرای لوفانی و دخرانی، مناسک غذای آمرزش برای درگذشتگان. اهواز. مأخذ: عربستانی، ۱۳۸۳.

صابئین مندائی در زمینه اجتماعی ایران

امروزه این قوم تلاش می‌کنند هویت خود را به عنوان اهل کتاب در جامعه عمدتاً اسلامی ایران مورد تأکید قرار دهند. این امر با تأکید بر آیاتی از قرآن که صابئین را در کنار دیگر اهل کتاب قرار داده است، و نیز فتوای مقام رهبری مبنی بر اهل کتاب بودن ایشان صورت می‌گیرد (همان: ۲۲۳). مندائیان یک قوم کوچک دین، محلی، قومی و غیر تبشیری، درون همسر و تحت محاصره همسایگان غیرمندائی بوده‌اند. این شرایط باعث شده است که علاوه بر آسیب‌های مادی، ترس از محو هویت گروهی و انقراض فرهنگی برای ایشان به دغدغه بدل شود. دین مهمترین مرجع هویتی مندائیان است و این دغدغه در شیوه دین‌داری آنان منعکس شده است (عربستانی، ۱۳۹۰) آنچه در دین‌داری مندائی به طور برجسته مشاهده می‌شود وسواسی اکید در مورد پاکی و ناپاکی است. این توجه به پاکی در مناسک مندائی نشان‌دهنده اشتغال ذهنی مندائیان به پاکی و تمامیت مرزهای گروهی است. برخی نظریات انسان‌شناختی، و به طور خاص نظریات «مری داگلاس» نشان می‌دهند مرزهای تهدیدشده پیکر سیاسی و اجتماعی در نگهداری انسجام و کنترل مرزهای بدن بازنمایی می‌شوند. مری داگلاس درباره‌ی ناپاکی و نجاست در یک نظام دینی می‌گوید: «آلودگی (یا نجاست) هیچگاه بدون منظری از نظمی سیستماتیک رخ نمی‌دهد. از این رو هر تفسیر جزء نگرانه‌ای از قواعد آلودگی در فرهنگ‌های دیگر، محکوم به شکست است. تنها راه ممکن برای معنا یافتن آلودگی، ارجاع آن به ساختاری کامل از تفکر است؛ ساختاری از تفکر که سنگ بنای مرزها، حواشی و خطوط درونی آن به وسیله مناسک جداسازی، در ارتباط با یکدیگر نگه داشته می‌شوند» (همان: ۸۳). بدین معنی با رویکرد نمادگرایی این وسواس فکری آنها در حفظ بدنشان از نجاست، می‌تواند باز نمود تهدید مرزهای هویتی آنان باشد. در واقع مناسک طهارت، هم به طور فیزیکی و هم نمادین، مرزهای هویت گروهی این قوم-دین را از جامعه کلی که هویت ایشان را مورد تهدید قرار می‌دهد تقویت می‌کنند. به این ترتیب شیوه‌های دین‌داری با شرایط اجتماعی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. صابئین گروهی درون همسر هستند (همان: ۳۸) و این امر نیز دغدغه برای حفظ انسجام گروهی و کم‌رنگ شدن مرزهای قومی را نشان می‌دهد.

در زمان جنگ ایران و عراق صابئین در حاشیه مرزهای این دو کشور زندگی می‌کردند، تبدیل به پناهجویان جنگ‌زده‌ای شدند که همچون دیگر جنگ‌زده‌ها برای مدتی در سراسر ایران پخش شدند (همان: ۲۲۶-۲۲۷). این امر باعث شد که ایشان به طور گسترده از مرزهای جغرافیایی محلی سکونت شان بیرون بروند و با دیگر گروه‌های مردم در سراسر کشور به طور گسترده‌ای تعامل برقرار کنند. در اثر این عامل و نیز با توجه به برجستگی گفتمان دینی پس از انقلاب، ایشان نیز تشویق به تفکر و تأمل در مورد هویت دینی‌شان شدند و شروع به نوشتن در مورد دین‌شان و انجام فعالیت‌های فرهنگی کردند. این در حالی است که در گذشته دین‌داری ایشان تنها منحصر به رعایت آداب سنتی و پیروی اکید از روحانیان در امور دینی بوده است (همان: ۲۲۷-۲۲۸). بعد از انقلاب و نیز تحت تأثیر جنگ، و پس از آن اشغال عراق و جنگ‌های اول و دوم خلیج فارس و شدت گرفتن جنبش‌های

کاملاً تعریف شده هستند (عربستانی، ۱۳۸۳: ۸۲). طبق روایات مندائی آب جاری یا پردنا از عالم نور بر سطح زمین جاری شده و به همراه خود حیات را به ارمغان آورده است. آب جاری یا آب حیات یا میاهیتی مظهر حیات و همانم و هم صفت با خدا (هیتی) است، و از این حیث در مقابل آب راکد قرار دارد که آب مرده و گندیده است (همان: ۸۴). رودخانه‌ها در برخی سنت‌های دینی همچون نمادی از حیات یا هبه‌ای الهی و یا همچون پدیده‌ای با منشأ الهی تلقی می‌شوند. هندوها بر آن هستند که رودخانه گنگ از ملکوت یا آسمان جاری شده و وقتی به زمین می‌آید به چهار جهت جغرافیایی می‌رود. طبق روایات عهد عتیق نیز از بهشت اولیه آدم - باغ عدن - نهری خارج می‌شود و باغ را سیراب می‌کند و سپس چهار شعبه شده (فیثون، جیحون، حدقل، فرات) و به چهار نقطه‌ی جهان می‌رود. اما در مندائیت نه یک رود خاص، بلکه همه‌ی پردناها - همه آب‌های جاری - تقدیس می‌شوند. اصولاً در روی زمین مقدس‌ترین مکان‌های رودخانه‌ها هستند (همان: ۸۶-۸۷)، مکان مقدس غیر از رودخانه در آئین مندائی وجود ندارد. مکان مقدس جایی است که به لحاظ کیفی متفاوت است و رویدادی مقدس در آن رخ داده‌است. مندی با رودخانه که تجلی خدا یا هیتی است مناجات می‌کند (همان: ۸۹). رشامه یا وضوی مندائی (که شبیه به وضو در اسلام است) نوعی از مناسک طهارت است و قبل از براخه یا نیایش‌های روزانه (نماز) انجام می‌گیرد (همان: ۱۲۳). در دوران گذار یعنی دوران‌هایی که از نظر آئین مندائی فرد در بحران‌های زندگی خود و گذر از یک مرحله به مرحله و موقعیت دیگری است، نیاز به انجام یک سری از مناسک است، مناسکی که حول و حوش بلوغ، ازدواج، تولد، مرگ و ... انجام می‌شوند. شخصی که در مرحله انتقال است خارج از مقولات تعریف شده موقعیت قرار دارد و تماس با این فرد خطرناک است و باید ارتباط این فرد با دیگران محدود باشد. تابوهای مرتبط با پاکی در محدود کردن ارتباط این شخص با اشخاص دیگر نقش اساسی دارند. این تابوها در واقع حصار دور شخص می‌کشند که او را از ارتباط معمول با افراد دیگر باز می‌دارد. این فرد در صرثا یا دایره فرضی قرار دارد اما همچنان هراس آسیب‌زایی جهان مادی برای شخصی که در صرثاست وجود دارد. این دغدغه با استفاده از گونه‌های تعویذ آیینی در مرحله‌ی صرثا به خوبی نمایانده می‌شود. این تعویذ آئینی سکین دولا (sekin dola) نام دارد که شامل یک صفحه فلزی به قطر حدود ۳-۴ سانتی‌متر است و روی عناصری بر اساس جهان‌شناسی قدیمی، چون شیر، مار و عقرب حک شده‌است که عناصر تشکیل دهنده‌ی جهان مادی هستند (پیشین: ۱۷۷-۱۸۶) و در نمادشناسی میتراپی نیز وجود دارد. نیایش در آئین مندائی سه بار در روز است که در آن موجودات نورانی که کارگزاران خدای بزرگتر (هیتی) هستند انجام می‌شود (همان: ۴۶). در آئین مندائی تقدیس و تکریم گیاه مقدس که تاجی است از گل مورد (آس یا یاس به زبان عربی) که نماد عقل و خرد است صورت می‌گیرد (همان: ۶۵) و در آئین مهر نیز ظاهراً درخت سرو تقدس دارد. اما به لحاظ نظری لازم است که موارد زیر توجه شود. اولین مکاتبی که در انسان‌شناسی شکل گرفتند دغدغه‌ای برای یافتن "منشاء" امور را داشتند و به دنبال "ریشه" های اعتقادات می‌گشتند. نوعی ذات‌گرایی فرهنگی بر این نگاه‌ها حاکم بود،

بنیادگرایی اسلامی و نیز عدم ثبات سیاسی و اجتماعی به ویژه در عراق، به تدریج بسیاری از ایشان از ایران، و به خصوص تعداد زیادی از ایشان از عراق به کشورهای دیگر مهاجرت کردند. با وجود فتوای مقام رهبری در دهه ۷۰ مبنی بر اهل کتاب بودن و لزوم معامله با ایشان به عنوان اهل کتاب، صابئین مندائی ایران در شرایطی نسبتاً امن از نظر انجام فرایض دینی و آموزش دین‌شان به نسل جدید قرار داشتند. ولی همچنان به خاطر اینکه در قانون اساسی در اعداد ادیان رسمی قرار نگرفته‌اند، همچنان با محدودیت‌های نه چندان اندکی برای تحصیل و اشتغال مواجه هستند. بدین سان مردمانی که بیش از ۲۰۰ سال است که در ایران زندگی کرده‌اند و از قدیمی‌ترین اقوام ایرانی به حساب می‌آیند، برای پیدا کردن شغل و تحصیل دچار مشکل و در حال پخش شدن در کشورهای دیگر هستند. به لحاظ تاریخی پس از مهاجرت اولیه ایشان به بین‌النهرین و ایران - بر اساس روایات تاریخی مندائی - این مهاجرت گسترده را می‌توان دومین نقطه عطف تاریخی این قوم-دین دانست. اگرچه در این مرحله ایشان نه به طور گروهی و به یک مقصد واحد، بلکه به طور مجزا در حال پراکنده شدن در جاهای مختلف دنیا هستند (همان: ۲۲۷-۲۲۸)، موضوعی که سخت دغدغه حفظ هویت و سنت‌شان را برایشان مطرح کرده است. اگرچه ایشان تلاش دارند با تربیت روحانی برای جماعات پراکنده مندائی در نقاط مختلف دنیا مانع از بین رفتن این سنت و هویت قوم-دینشان بشوند. امری که معلوم نیست چقدر می‌تواند در مواجهه‌شان با این چالش جدید مؤثر باشد. چنان که دیاسپوراهای مندائی با چالش‌های جدیدی برای رعایت آداب دینی و حفظ هویت‌شان مواجه هستند و برای مثال در انتخاب همسر از قوم خود گزینه‌های بسیار محدود دارند و عملاً در برخی جاها این امر غیر ممکن شده است. این مردم امروزه در دوره بسیار حساس و بحرانی قرار گرفته‌اند که می‌تواند منجر به تغییراتی بزرگ در شیوه دین‌داری ایشان شود. و شاید این تجربه‌ای است که بسیاری از پیروان سنت‌های دینی قبلاً آن را تجربه کرده‌اند. برخی معتقدند از آنجا که هیچ دینی در طی زمان ثابت نیست و به مرور زمان تغییر می‌کند. آنچه از آداب و آیین‌های امروزی این قوم بر می‌آید تشابهات بسیاری با رسوم مهری دارد و بعید نیست که ریشه در میترائیسم داشته باشد؛ نشانه‌هایی از آن را هم چنان حفظ کرده و مواردی هم در آن تغییر کرده است. برای مثال تقویم آنها تنها تقویمی است که با تقویم ساسانی منطبق است و عید پنجه دارند، همچنین روز یکشنبه معابد مهری در کنار رودخانه و چشمه‌ها برپا می‌شده‌اند. چنانکه امروزه نیز بقایای معابد میتراپی در ایران و جهان برجاست و حتی گاه داخل معبد چشمه و حوض آب دیده می‌شود (جوادی، ۱۳۹۰).

در مورد تقدس آب و غسل آیینی (که در آیین مهر مشاهده می‌شود). باید توجه داشت در این امر در بسیاری از آیین‌ها مشاهده می‌شود. اما تطهیر مبنای ذاتی ندارد و در آیین‌های مختلف به دلخواه است و با رسوم گوناگون اجرا می‌شود، چنانکه در آیین اسلام، زرتشت، یهود، باور شینتو و نزد چینی‌ها به فرم‌های گوناگون اجرا می‌شود. در آیین شینتو ورود به معبد شینتو مستلزم شست‌وشوی آئینی دست‌ها و دهان است، همین‌طور شست‌وشوهای آیینی در دیانت کلیمی نیز

پاسخ به این شرایط اجتماعی، مندائیان به مناسک دینی‌شان به منزله مرجع اصلی هویت گروهی‌شان متوسل شدند و مناسک مفصلی را با مضمون تکرارشونده طهارت بسط داده‌اند. اشتغال ذهنی به پاکی منسکی که در مناسک تطهیر و مناسک مرتبط با غذا در آیین مندائی دیده می‌شوند، به طور نمادین دلواپسی مضطربانه این اقلیت را برای تمامیت گروهی‌شان نشان می‌دهد. بنا به عقیده برخی از پژوهشگران رسوم و باورهای صابئین در ارتباط با توجه به اجرام سماوی، اجرای نیایش در جوار آب جاری و تقدس رو یکشنبه نزد ایشان احتمالاً ارتباط این باور و آیین را به رسوم مهرپرستی در ایران نزدیک می‌کند. گرچه ایشان امروز خود را از اعقاب حضرت یحیی تعمیددهنده می‌دانند اما از آن جا که باورها و آیین‌ها از زمان ظهور تا دوران اوج و افول تغییرات بسیاری داشته این قوم دینی نیز با رسوم و باورهای پیشین و پسین خود آمیخته شده و تاکنون برجای مانده‌اند. چنانکه فرقه‌های مختلف مذهبی ایران با نژادهای مختلف بازماندگان اقوام مهرپرست بوده‌اند و امروزه به گونه‌های مختلف به حیات خویش ادامه داده‌اند. صابئین مندائی قوم-دینی هستند که به آرامی و سکوت در خوزستان زندگی می‌کنند. موجودیت تاریخی ایشان بر اساس متون مقدس مندائی به زمان آدم ابولبشر می‌رسد و در سلسله انبیاء و اولیای ایشان به نام‌هایی شیتل (شیت)، رام و رود، شوربای و شرهایی‌یل، نو (نوح) و شوم بر نو (سام بن نوح) و بهیایهانا (یحیی) به عنوان آخرین پیامبر مندائی بر می‌خوریم. مقارن ورود اسلام به بین‌النهرین به اشاراتی بر می‌خوریم که حضور ایشان را در این منطقه نشان می‌دهد و آن طور که از قرائن بر می‌آید ایشان همان صابئین مذکور در قرآن هستند.

فهرست منابع

- جوادی، شهره. (۱۳۹۳). تداوم نشانه‌ها و بقایای معماری «مهری» قفقاز در کلیساهای ارمنستان و گرجستان. *مجله باغ نظر*، ۱۱ (۳۱): ۴۴-۳۳.
- عربستانی، مهرداد. (۱۳۸۳). *تعمیدیان غریب: مطالعه‌ای مردم‌شناختی در دین‌ورزی صابئین مندائی در ایران*. تهران: افکار.
- عربستانی، مهرداد. (۱۳۹۰). *تهدید و پاکی در دین‌ورزی صابئین مندائی*. *مجله فرهنگ مردم*، (۳۷ - ۳۸): ۷۴-۵۳.

یعنی گویی پدیده‌های فرهنگی ذاتی مشخص و لایتغیر دارند. البته امروزه دهه‌هاست که چنین دیدگاهی طرفدارانش را از دست داده است، و اینکه فرهنگ چیزی تدریجی و در حال "شدن" و "تغییر" بوده امری مفروض در مطالعات انسان‌شناختی است. امروزه "تغییر" اصل ثابت مطالعه فرهنگ است، تغییری که با ساز و کارهای مختلفی از جمله اشاعه فرهنگی شکل گرفته و در حال شکل گرفتن است. موضوع این است که یافتن "منشاء" برای یک امر فرهنگی، مثلاً یک دین، ما را مدام از دالی به دال دیگر می‌کشاند تا جایی که این زنجیره دال‌ها در تاریکخانه تاریخ گم می‌شود. بنابراین نمی‌توان از منشاء یک امر فرهنگی با اطمینان سخن گفت، و تبادل و اشاعه فرهنگی، و نیز ابداعات فرهنگی همچنان در حال رخ دادن هستند. سنت صابئین مندائی سنتی مکتوب است و این ویژگی به آن کمک کرده تا شدت تغییر و تحول در ایشان مشروط و مقید شده و لازم شود که این تغییر تنها در قالب تفسیرهای جدید از متون مقدس مشروعیت یافته و توجیه شوند. و این موضوعی است که در بین صابئین هم مشاهده می‌کنیم. البته این نیز امری شناخته شده است که جریان اشاعه فرهنگی از گروه‌های بزرگ به گروه‌های کوچک شدت بیشتری دارد. این است که از این نگاه شاید تأثیر گرفتن صابئین از فرهنگ اقوام همسایه کاملاً طبیعی باشد، اگرچه همیشه این تأثیرگیری از صافی نگاه مندائی بوده است و قرآنی مندائی از عناصر دیگر بوده است. ممکن است محتوای هویت مندائی، مانند هر موجودیت فرهنگی-تاریخی دیگر، دستخوش تغییر شود، ولی آنچه یک هویت را حفظ می‌کند، معین بودن مرزهایی است که این محتواها را در خود جای داده‌اند. به عبارتی اعتبار یک هویت به محتوایی نیست که به هر حال در حال تغییر است، بلکه به صبغه این که این محتواها در قالب یک هویت مشخص به خود می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

مندائیان مردمانی سامی تبار هستند که در قرن اول میلادی از حوالی اورشلیم به بین‌النهرین (عراق امروز) و نیز به کناره‌های رودها در جنوب شرقی ایران امروز کوچ کردند. ایشان حامل یک سنت گنوستیکی قدیمی هستند و دین‌ورزی مناسک‌گرایی را اعمال می‌کنند. مندائیان به عنوان یک گروه کوچک قومی-دینی که تحت سلطه اقوام همسایه زندگی می‌کند همواره در معرض تهدید انقراض فرهنگی بوده‌اند. در

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

عربستانی، مهرداد. (۱۳۹۷). صابئین مندائی: کیهان‌شناسی، سازه و منظر. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۶ (۱۹): ۲۱-۱۶
 DOI: 10.22034/JACO.2018.63585
 URL: http://www.jaco-sj.com/article_63585.html

